

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

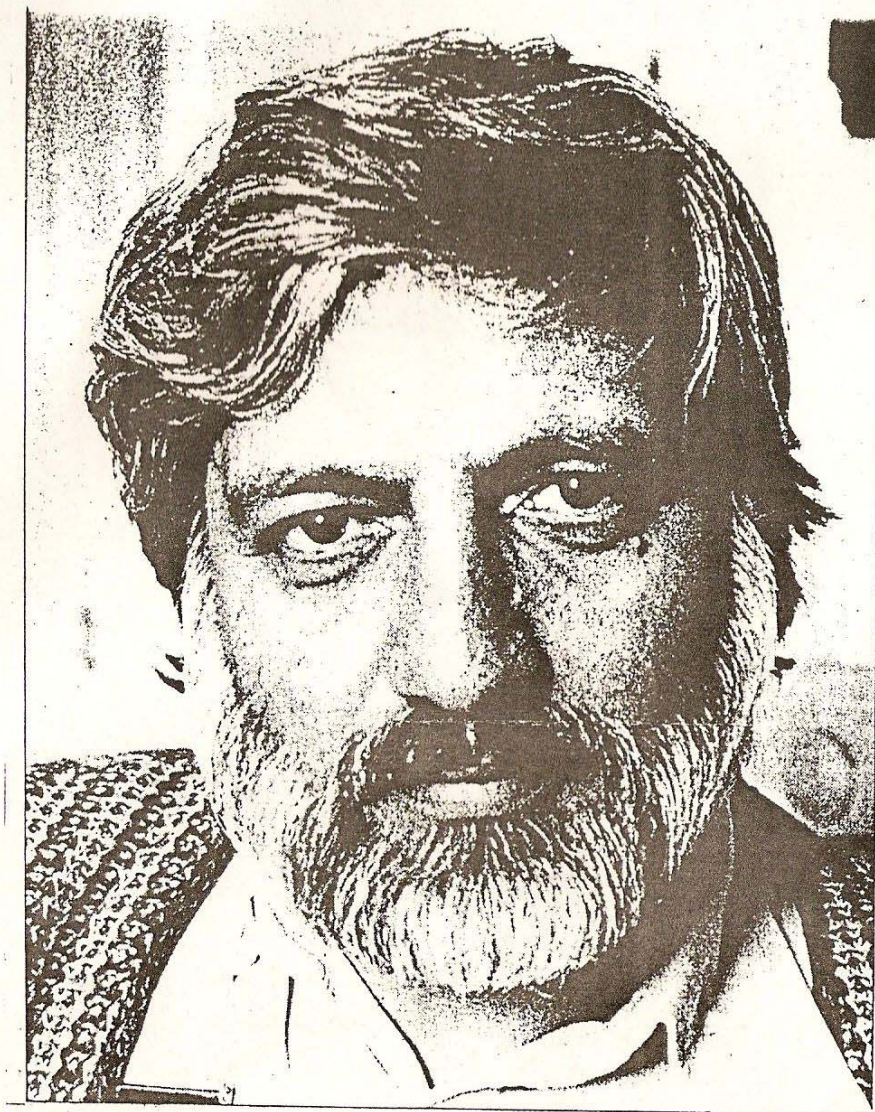
A.R.M.D

آرشیف اسناد جنبش انقلابی

فرستنده: طارق از افغانستان

۱۱/۰۱/۲۹





شهید عبد القیوم «رہبر»

بمناسبت دومین سالگرد شهادت
پروفسور عبدالقیوم "رهبر"
مشعلدار سازمان آزاد بېخش مردم افغانستان "ساما"
و
جبهه متحد ملی افغانستان

کنون روز دیگری از دردناک ترین روزهای تراژیدی کشور خود را سپری میکنیم. این روزنه تنها بمثابة روز ماتم برای افراد و گروههای معینی بلکه بمثابة روز ضایعه بزرگ برای ملت زنجیرگسل ما، چون نمک بر زخم تراژیدی افغان اثر نموده است. ممکن امروز عمق این درد برای عده های محسوس نباشد چون اثرات زخم عمیق همیشه دیرتر رونما میگردد. ممکن اکنون عده های از لابلای تاریکی و غبار بحران فراگیرد افغانستان، بزرگی این صدها را نتوانند بخوبی مشاهده نمایند. بهمین ترتیب انعکاس این ضایعه در خارج از مرزهای کشور ما ممکن بسیار روشن نباشد چون استعمار جهانی آنقدر ریا لهای سیاه و خفقان آور خود را بر قضایای کشور ما گسترانیده که ازورای آن نمیتوان سیمای نیروهای ملی و مترقی را به آسانی مشاهده کرد و کمتر میتوان دید که در سنگر این پاک باختگان راهد موکراسی، آزادی و سعادت انسان دوزخی چه میگذرد.

ولی با اینهمه با توجه به ویژگی مقطع تاریخی ای که "رهبر" را در آن شهادت رسانیدند و با توجه به رویدادهای دو سال اخیر میتوان تا اندازه ای به حدود و ثغور این ضایعه پی برد.

— مردم ما روسها را در ساحه نظامی شکست دادند و باید وارد مرحله ای میشدند که طی آن با راضافی جناحهای صنعتی و صاد ر شده د رگیر جنگ (رژیم کابل بمثابة بقایا و نتیجه بلافصل تجاوز روس و احزاب پاکستان نشین و ایران نشین بمثابة ابزار گنگ تجاوز بدست رقبای روس) را بطور حتم از روی شانه های خسته و پردرد خود دور اندازند. یعنی وارد مرحله ای که طی آن باید ثمرات قربانی بی همتا و پیروزی نظامی خود را خود در ساحه سیاسی برچینند و دست نیروهای صاد ر شده را که به قوت مادی — تخنیکی میکوشند ثمره پیروزی نظامی مردم را در ساحه سیاسی بر بایند، از سر نوشت خود کوتاه سازند.

در چنین برهه زمانی است که رهبر بمثابة متهورترین و آگاهترین پیشاهنگ سنگر

آزادی و دموکراسی در مقاومت افغانستان، به تهاجم وسیع سیاسی پرداخت تا ایجاد "بدیل سومی" را بر پایه نطفه های موجود آن از شخصیتها و نیروهای مورد اعتماد مردم و با در نظر داشت تمام فکتهای قدرت در جامعه افغانستان، سازماندهی کند. وی میخواست که محور وحدت و ایجاد کننده تفاهم میان نیروهای هائی باشد که منافع مشترک ملی دارند ولی پرده دودی بیش از یک دهه جنگ، میان ایشان فاصله ایجاد نموده. وی میخواست راه مؤثریت این نیروهای ملی و مترقی و تمام عناصر مثبت اجتماعی را که طرفدار صلح و آزادی در افغانستان اند ولی بازور و جبر و ترور و وحشت کنار زده شده اند، در صحنه سیاست افغانستان باز کند. به همین منظور تمام این شخصیتها و نیروها را چه در سنگرهای جنگ مقاومت در داخل کشور و چه در تبعید شناسائی و میخواست آنها را چنان سازماندهی نماید تا بمثابة یک جریان سیاسی نیرومند، مسئولیت تحقق صلح عادلانه و پایدار را بدوش گیرند و تا از خلال آن بتوانند حیثیت "بدیل سومی" را احراز نمایند. چون از نظری عامل بحران افغانستان در تضاد میان یک ظرفیت اجتماعی و واقعیت تاریخی نهفته بود. یعنی آنهایکه ظرفیت اجتماعی رهبری جنگ و حل معضله افغانستان را دارند، در چنبر قدرت های بزرگ بی اثر گردیده اند و آنهایکه ظرفیت اجتماعی ایشان به آخر رسیده، واقعیت هائی را از بیرون به قوت مادی - تخنیکی و تسلیحاتی برای تحمیل ایشان بر مردم مابوجود آورده اند. لذا "رهبر" راه حل بحران افغانستان را در تغییر این معادله غیر عادلانه میدید چون معتقد بود که آزادی و صلح زمانی میتواند در افغانستان پایدار و دیرپا باشد که توده های ملیونی مردم از آن حمایت کند.

در جریان این تلاش بزرگ انسانی بود که "رهبر" را به شهادت رساندند و به همین لحاظ شهادت او بزرگترین ضربتی بود که به "بدیل سومی" که مؤثریت داخلی دارد وارد گردید. جلوگیری خونین از رشد این نیرو و تصفیه جسدی و فیزیکی نیروهای ملی و مترقی به رهبری جلادان دستگاه های استخباراتی کشورهای مداخله گر در امور افغانستان که اکنون ترور و خون آشامی خود را به شکل وحشیانه تر و مخفی تر از گذشته از نو سازماندهی نموده اند، باعث آن گردیده که جنگ نه تنها بعد از خروج روسها به حاکمیت مردم و تأمین صلح و آزادی در افغانستان نه انجامید بلکه با تکامل در ابعاد تازه تر، آینده تاریک و وحشتناکی را پیش چشم مردم حرمان کشیده ما ترسیم نموده است.

— مقاومت مردم ما توانست طلسم شکست ناپذیری امپراطوری روس را بشکند و سر

آغاز شکست بزرگ تاریخی آنرا به نام خود رقم زند . ولی در شرایط فقدان رهبری ملی - مرقی ، خودیگانه کنسوریست که ازین شکست دشمن خود به نفع خود بهره برداری نتوانسته است . بر علاوه در اثر خلافت بزرگ قدرت که با اضمحلال امپراطوری روس در منطقه و جهان بوجود آمده - و ما هنوز در آستانه پيامدهای آن هستیم - کشورهای منطقه بخصوص ایران و پاکستان در تلاش اند که با اتکال به احزاب ساخته دست خود ، مداخلات خود را در افغانستان رسمیت و مشروعیت تازه بدهند و منافع ملی ما را فدای پلانیهای جدید امنیتی خود در منطقه سازند .

- کنفرانس های اسلام آباد و تهران و مذاکرات مسکو نشانه تلاشهایست که مشمولین آن میخواهند منافع خاص خود را از طریق موافقات و معاملات جدید پشت پرده و از طریق جهت دادن تصنعی به قضیه افغانستان تاءمین کنند که نه تنها به حل پرابلم المناك مردم ما كمك نمیکند بلکه مؤجد پرابلمهای تازه دیگر نیز میگرد . و در همین روند است که احزاب پاکستان نشین و ایران نشین بمثابه ابزار گدگ و بی اراده این معاملات در دست رقبای روس و محصول ملیاردها دلار سرمایه گذاری مادی - تخنیکی و بشری آنها در مقاومت ماعمل نموده و اکنون توانسته اند که بمثابه مانع خطرناك در راه ایجاد افغانستان متحد ، واحد ، آزاد ، سر بلند و دارای حق حاکمیت ملی مبدل شوند و از همینجاست که سرکوب نیروهای ملی و مرقی افغان ویژه گی اساسی سیاست آنها را تشکیل میدهد . . .

اما این پایان کار نیست . تخم رزم آوری که "رهبر" با خون خود آبیاری نموده با خون صدها رهرو پاکباخته اش و خون هزاران روشنفکر ملی و مرقی افغان که دریای نهال آزادی و آرمانهای مرقی مردم افغانستان ریخته شده ، اکنون این آرمان را به درخت تناوری مبدل نموده که ریشه زدن آن توسط نیروهای صادر شده و بی ریشه ناممکن گردیده است .

لبته استعمار و رجعتگرایی در تاریخ توانست با چنگ و دندان خود جلورشد ترقی را بگیرد و با حیل و توطئه و ظلمت گسترانی وجود آنرا انکار کند ، اما آنرا هیچگاه نمیتوانست چون حرکت مرقی تپش قلب تاریخ است .

ابا ایمان به این پویائی راه "رهبر" سوگند بسته ایم که درفش خونین آرزوهای بزرگ انسانی اش را تا سرزمین شکوفان و همیشه بهار آزادی ملی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی بردوش حمل کنیم .

استوار و جاويدان باد آزادى ملي ، دموکراسى
و عدالت اجتماعى در افغانستان !
يا مرگ يا آزادى !

جبهه متحد ملي افغانستان

۱۹۹۲ / ۱ / ۲۷